

« ارتکاب بزه چک بی محل از ناحیه کارمند دولت

طبقه شق ۳ بند ج ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی

موجب تعلیق است

کمیسیون مشورتی حقوق جزای خصوصی اداره حقوقی وزارت دادگستری بدخواست یکی از مراجع قضائی در مورد شمول ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی بجرائم چک بی محل در تاریخ ۲۳/۱۰/۴۲ در هفته نامه شماره یک دادگستری چنین اعلام نظر کرده است.

«در شق سوم بند ج ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی تصریح به بزه کلاهبرداری و یا جنحه‌ای که بموجب قانون مجازات کلاهبرداری برای آن تعیین شده گردیده است. هرچند مجازات صادرکننده چک بلا محل در ماده مجازاتی ۲۳۸ مکرر که ماده اصلی آن مربوط به کلاهبرداری است تعیین گردیده ولی با توجه باینکه مجازات مذکور در ماده ۲۳۸ عیناً با مجازات‌های مذکور در ماده ۲۳۸ مکرر یکسان نیست اصولاً بموجب ذیل ماده هفتم قانون چک بی محل جرائم مذکور در آن مواد که بصورت چک بلا محل میباشد بدون شکایت مدعی خصوصی قابل تعقیب نیست و استرداد شکایت در مورد بند الف ماده ۲۳۸ مکرر در تمام مراحل مانع تعقیب و مجازات است در مورد بند ب هم استرداد شکایت تا صدور کیفر خواست مانع از تعقیب و مجازات خواهد بود و حال آنکه جرم مذکور در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی از جرائم عمومی میباشد. بنابراین قانونگذار خود جرائم مذکور در مادتين ۲۳۸ و ۲۳۸ مکرر را از جهت مذکور در بالا یکسان ندانسته است و بالنتیجه جرم صدور چک بلا محل از سبب شق ۳ بند ج ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی نمیشد.

در صورتیکه بشرح دلایلی که ذیلا بیان میشود جرم چک بی محل مشمول شق ۳ بند ج ماده ۱۹ ق - م - ع بوده و عدم اجرای آن عدم اجرای نص صریح قانون است.

۱ - شق ۳ بند ج ماده ۱۹ ق - م - ع میگوید «کلاهبرداری و یا جنحه که بموجب قانون مجازات کلاهبرداری برای آن تعیین شد است». جرم کلاهبرداری و مجازات آن در ماده ۲۳۸ ق - م - ع تعریف گردیده و از اینک دنباله بند ۳ اضافه شد... جنحه که بموجب قانون مجازات کلاهبرداری برای آن... منظور متقن این بوده که ممکن است در آینده عملی کلاهبرداری محسوب شود ولی در ماده ۲۳۸ ذکر از آن نشده باشد و الحاق تبصره یا ماده مکرر بماده اصلی جهت ابواب جمعی جرم کلاهبرداری لازم گردد و یا بر حسب مقتضیات اجتماعی عملی کلاهبرداری تشخیص و برای آن مجازات کلاهبرداری

توجه کرد که صدور چک بی محل نوعی کلاهبرداری است لذا ماده ۲۳۸ مکرر را تصویب و بماده اصلی ملحق نمود.

۲ - در عرف قانونگذار ماده مکرر و تبصره ذین ماده قانون جدید و جدا گانه نیست بلکه وابسته بماده اصلی میباشد که بعلمت نقص و یا عدم وضوح ماده اصلی و یا تسری بموارد و موضوع دیگر وضع میگردد و هر حکمی که برای ماده اصلی مقرر باشد برای ماده مکرر و تبصره نیز مقرر است ، مگر اینکه قانونگذار خلاف آنرا بیان دارد مانند تبصره ذیل ماده ۱۷۳ ق - م - ع که قسمت اخیر ماده قابل گذشت است ولی قسمت اخیر تبصره قابل گذشت نمیشد. بنابراین هر حکمی که شامل ماده ۲۳۸ اصلی باشد شامل ماده ۲۳۸ مکرر نیز هست .

۳ - فرض شود ماده ۲۳۸ مکرر ق - م - ع وجود نداشته باشد. تعریفی که ماده ۲۳۸ اصلی برای جرم کلاهبرداری مینماید شامل چک بی محل نیز میباشد. زیرا کسیکه چک بی محل صادر میکند و طرف را بداشتن اعتبار واهی مغرور مینماید و مقداری از مال و وجه نقد او را میبرد این خود توسل بوسایل تقلبی است . اگر هم تا این اندازه عمل صادر کننده چک بی محل متوسل بوسایل تقلبی نباشد ، آیا پس از ابلاغ اظهارنامه و گذشتن فرجه قانونی و ظهور سوء نیت باز باید گفت که جرم کلاهبرداری تحقق پیدا نکرده است؟ قبل از تصویب ماده ۲۳۸ مکرر ق - م - ع دادرسان با استناد ماده ۲۳۸ ق - م - ع صدور چک بی محل را جرم و مرتکبین را با استناد همان ماده تعقیب میکردند .

۴ - از جمله دلایل هیأت محترم کمیسیون اینستکه چون تعقیب صادر کننده چک بی محل منوط بشکایت شاکی خصوصی است از مصادیق شق ۳ بند ج ماده ۱۹ نمیشد. این عقیده زیاد سوجه بنظر نمیرسد زیرا: بعضی از جرائم هستند که بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب نیستند و پس از شکایت نیز در تمام مراحل قابل گذشت میباشد ولی همین دسته از جرائم مادامیکه شاکی از شکایت انصراف حاصل نکند از مصادیق ماده ۱۹ ق - م - ع است مانند جرائم مصرح در مواد ۲۲۷ و ۲۲۷ مکرر و ۲۰۷ و ۲۰۸ ق - م - ع و غیره. اما هر چند تعقیب متهم صدور چک بی محل سوکول بشکایت شاکی خصوصی میباشد ولی فقط در بند الف ماده ۲۳۸ مکرر حق استرداد شکایت برای شاکی در تمام مراحل ملحوظ گردیده و در بند ب پس از صدور کیفرخواست گذشت شاکی مؤثر در صدور کیفرخواست میباشد. مضافاً اینکه قانونگذار اگر ماده ۲۳۸ مکرر را بر خلاف ماده ۲۳۸ اصلی قابل گذشت دانسته. منظور کمک با اقتصاد کشور بوده است و این موجب نمیشود که حکم ماده ۲۳۸ اصلی را به ۲۳۸ مکرر تسری ندهیم مگر اینکه در اینخصوص هم نص صریحی وجود داشته باشد. که آن نیز مشهود نیست. بنا بمراتب فوق شمول بند ج ماده ۱۹ ق - م - ع به جرم چک بی محل مستند به نص صریح قانون است .

چون آئین نامه مربوط به تنظیم اسناد در خارجه بوسیله کنسولگریهای ایران در خارجه در دسترس نمیباشد و نسخ چاپی آن کمیاب است لذا متن آن از روی نسخه چاپی که از طرف وزارت خارجه منتشر شده برای استفاده آقایان قضات و وکلاء دادگستری در مجله کانون درج میشود.

طرح این تعرفه که طبق ساده واحده مصوبه مجلس شورای ملی از طرف وزارت امور خارجه با موافقت نمایندگان وزارت دارائی تهیه شده در تاریخ ۲۷/۱۱/۶ به تصویب هیئت وزیران رسیده و مقرر گردیده است بموقع اجراء گذارده شود.

تعرفه حقوق کنسولی

قسمت اول - آئین نامه

ماده یکم - وزارت امور خارجه شاهنشاهی ایران در تهران و کنسولگریهای ایران در خارجه موظفند اسناد و مدارکی را که تسجیل آن در حدود صلاحیت آنها میباشد بر طبق تقاضای صاحب سند و یا اشخاص ذیعلاقه تصدیق نمایند.

ماده دوم - در مقابل تصدیق اسناد طبق قسمت دوم آئین نامه حقوق دریافت و بمیزان وجه دریافتی روی اصل سند تمبر چسبانده و باطلی خواهد شد.

ماده سوم - تصدیق اسناد در خارجه از وظایف خاصه کنسولگریها میباشد و علیهذا در ریاستها تیکه دولت شاهنشاهی در آنجاها سفارت داشته لیکن کنسولگری ندارند و امور مربوطه به کنسولگری در خود سفارت انجام میشود لازم است عین دفاتر و اوراقیکه برای کنسولگریها تنظیم میشود برای سفارت نیز ترتیب و علاوه بر مهر رسمی سفارت که استعمال آن در اوراق تصدیقی ممنوع میباشد مهر مخصوص شیر و خورشید که عیناً شبیه بمهر کنسولگریها میباشد و در حاشیه آن بفرانسه

Service Consulaire { de L'Ambassade Impériale de L'Iran
de le Légation Impériale de L'Iran
à.....

و در زیر حاشیه اسم شهر به لاتین و در زیر شیر و خورشید بنفاری شعبه کنسولی سفارت حکم گردیده جهت سفارت تهیه شود در وزارت امور خارجه اداره سجلات سأمور تصدیق اسناد و اوراقی است که در قبال دریافت حق تعرفه دریافت میگردد.

ماده چهارم - تصدیق سیباید کارسند رسمی وزارت خارجه باشد و صدور تصدیق از طرف کارسندان غیر رسمی در تهران و خارجه ممنوع است.

ماده پنجم - تصدیق اسناد به ترتیب زیر بعمل خواهد آمد.

الف - از هر سندی که برای تصدیق داده میشود اعم از اینکه تصدیق در مقابل